

ترتیبات امنیتی خلیج فارس

محمود واعظی *

چکیده

بررسی سیر تحولات ترتیبات امنیتی خلیج فارس، عوامل مؤثر در تحولات منطقه، نقش بازیگران ذی نفوذ و در نهایت راهکار مناسب در ترتیبات امنیتی خلیج فارس پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق برای جمهوری اسلامی ایران - به عنوان یکی از مهم ترین بازیگران منطقه ای - از اهمیت خاصی برخوردار است: به اعتقاد نویسنده با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، به واسطه ی ماهیت انقلاب، جمهوری اسلامی ایران، سیاست مستقلی را از دو قطب موجود نظام بین الملل یعنی شرق و غرب اتخاذ کرد و بر همین اساس منافع ایران در تعارض با منافع هر دو قطب در خلیج فارس قرار گرفت. اما با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق در دهه ی ۱۹۹۰ به واسطه ی حضور آمریکا در منطقه و به دلیل چالشهایی که کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به آن دامن می زدند. شرایط جدید از نظر امنیتی برای منافع ملی ایران خوشایند نبوده و موجبات افزایش نگرانیهای ایران شد. از این رو به اعتقاد نویسنده ضرورت الگویی مشارکت جویانه در ترتیبات امنیتی خلیج فارس اجتناب ناپذیر می باشد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مهم ترین بازیگران در عرصه ی امنیت خلیج فارس تحت شرایط ویژه، باید به ایجاد الگوهای رفتاری مبتکرانه در سطوح مختلف با بازیگران منطقه ی خلیج فارس مبادرت ورزد، تا از این طریق به واسطه ی تبادل تمایلات و نگرانیهای استراتژیک نه تنها شرایط بحرانی منطقه را بهبود بخشد؛ بلکه بنیانی نیز برای ترتیبات امنیتی پایدار آینده ایجاد نماید.

کلید واژه ها

ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، امنیت انرژی، گفتگوهای امنیتی، عراق جدید، الگوی هژمونیک، الگوی مشارکت جویانه و الگوی امنیت مشارکتی.

* دکتری روابط بین الملل و معاون پژوهشهای سیاست خارجی در مرکز تحقیقات استراتژیک.

فصلنامه راهبرد، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۵، صص ۲۶-۲۳

درآمد

۱- پیشینه ترتیبات امنیتی در خلیج فارس

صرف نظر از دوره سلطه پرتغالی‌ها در قرن شانزدهم در خلیج فارس و بهانه‌های اولیه بریتانیا تحت عنوان مبارزه با دزدی دریایی و تجارت برده که عمدتاً توسط اعراب ساکن کرانه‌های جنوبی خلیج فارس صورت می‌گرفت، خلیج فارس به دنبال کشف نفت در ایران و سپس پیدایش سرزمین‌های نیمه مستقل در این منطقه اهمیت بسیار زیادی از نظر ژئوپلیتیک یافت. پس از خاتمه جنگ جهانی دوم، ایالات متحده نیز به حضور جدی در این منطقه تمایل پیدا کرد.

با اعلام عقب‌نشینی انگلستان از شرق سوئز در سال ۱۹۶۸، آمریکا رفته رفته کوشید تا جای خالی این کشور را در منطقه خلیج فارس پر کند، اما درگیری در جنگ ویتنام، آمریکا را واداشت که با

اتخاذ سیاست موسوم به سیاست "دوستونی" با اتکا بر دو قدرت و متحد منطقه‌ای خود یعنی ایران و عربستان سعودی در دهه ۱۹۷۰، توازن امنیتی را در خلیج فارس برقرار نماید^(۱). این در شرایطی بود که عراق دوست اتحاد شوروی محسوب می‌شد و تحرکات فزاینده شوروی در شاخ آفریقا، یمن جنوبی و ظفار، امنیت انرژی را با خطرات جدی مواجه کرده بود.

با سرنگونی رژیم شاه در ایران، ایالات متحده با شرایط جدید و متحول در ارتباط با

منطقه خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود یکی از مناطق بسیار مهم و حساس جهان از قرن بیستم محسوب می‌شود. انرژی و امنیت دو موضوع کلیدی و استراتژیک در این منطقه می‌باشد. ترتیبات امنیتی در خلیج فارس از دیرباز مورد توجه بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای قرار داشته است، اما در پی تحولات سال‌های اخیر در این منطقه، ظهور عراق جدید و حضور نیروهای نظامی خارجی در آن، بر اهمیت این ترتیبات افزوده شده است به گونه‌ای که در سال‌های اخیر همایش‌ها و گفتگوهای امنیتی (Security dialogue) متعددی چه در داخل منطقه و یا خارج از آن برپا گردیده و چگونگی ترتیبات امنیتی در خلیج فارس به بحث گذاشته شده است. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران یکی از مهمترین بازیگران در عرصه امنیت خلیج فارس محسوب می‌شود، هر برنامه‌ای که در این زمینه طراحی و تدوین شود برای ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. در این نوشته به بررسی سیر تحولات در ترتیبات امنیتی خلیج فارس، عوامل مؤثر در تحولات منطقه و نقش بازیگران ذی‌نفع خواهیم پرداخت و در نهایت راهکارهایی برای آینده منطقه با توجه به جایگاه ایران و تمایلات استراتژیک آن ارائه خواهیم داد.

ایران مواجه گردید. از این رو، آمریکا در دهه ۱۹۸۰ به جانب دشمن قبلی خود یعنی عراق برای

ایجاد توازن با ایران متمایل شد. آمریکا در عین حال در دهه ۱۹۹۰ کوشید تا با اتخاذ سیاستی خاص به نام مهار دو جانبه ایران و عراق نوعی موازنه قدرت بین این دو کشور به وجود آورد تا از رشد بیش از حد نظامی هر دو کشور جلوگیری نماید.^(۲)

عراق پس از خاتمه جنگ با ایران، اقدام به اشغال کویت کرد. همین عمل مجدداً ایالات متحده را در مقابل این کشور قرار داد که نتیجه آن عملیات آزادسازی کویت، اعمال تحریم‌های شدید علیه عراق و حضور گسترده نظامی آمریکا در خلیج فارس بود. واقعه ۱۱ سپتامبر فصل جدیدی را در نگاه امنیتی آمریکا به منطقه خلیج فارس گشود که خود را در قالب اعلام جنگ علیه تروریسم بین‌المللی نشان داد. پس از

مداخله نظامی آمریکا در افغانستان که به بهانه سرکوب تروریسم صورت گرفت، ایده جنگ پیشدستانه در عراق، رویکرد تازه‌ای بود که از سوی آمریکا به نمایش گذاشته شد. ایده مزبور در عراق با چالش‌های جدی مواجه گردید. به همین خاطر است که گفته می‌شود هیچ‌گاه تا پیش از این منطقه خلیج فارس به اندازه امروز چنین اهمیتی را برای منافع آمریکا نداشته است. در نیم قرن گذشته خلیج فارس از یک منطقه دارای اهمیت حاشیه‌ای به منطقه‌ای تبدیل شده است که رویدادهای آن اثری مستقیم بر امنیت

داخلی و شکوفایی اقتصادی ایالات متحده بر جای می‌گذارد.^(۳)

اینک با توجه به تحولات عراق و پیامدهای آن برای منطقه هم‌اکنون هیچ یک از طرح‌های امنیتی گذشته کارایی لازم را ندارند و منطقه خلیج فارس به طور جدی نیازمند ترتیبات امنیتی جدیدی است، تا این امید در کشورهای منطقه ایجاد شود که سرانجام روی آرامش و ثبات را خواهند دید و جهانیان نیز اطمینان کافی از جریان مستمر و ایمن نفت و گاز پیدا کنند.^(۴) در همین خصوص، مایکل رایان کریگ معتقد است که رهیافتهای گذشته در خصوص امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس شکست خورده‌اند. بنابراین رهیافتهای و سیاست‌های جدید را باید به طور مقتضی مورد بررسی قرار داد و به وضع موجود نیز باید وزن یکسانی داد.^(۵)

۲- نقش راهبردی انرژی در خلیج فارس

حدود دو سوم ذخائر اثبات شده نفت و یک سوم ذخائر گاز طبیعی جهان در اختیار کشورهای خلیج فارس قرار دارد. تقاضای مستمر برای نفت خلیج فارس به فراوانی آن و به رشد اقتصاد جهانی بستگی دارد. اگر رشد مداوم اقتصادی در آمریکای شمالی، اروپا و آسیا در دهه آینده استمرار یابد، جهان با افزایش سریع تقاضا برای انرژی روبرو خواهد شد. افزایش تقاضای آسیا به ویژه کشورهای چین و هند به نفت خلیج فارس یکی از تحولاتی است که در آینده آثار

ژئوپلیتیک و اقتصادی نیز خواهد داشت. در صورتی که کشورهای بلوک شرق سابق بتوانند در مدیریت و نظم‌بخشی به اقتصاد خود موفق شوند، تقاضای انرژی حتی سریع‌تر از پیش افزایش خواهد یافت. مزیتی که درخصوص انرژی این منطقه وجود دارد، فراوانی نفت و گاز، استخراج با هزینه‌های کمتر در مقایسه با مخازن نفت در مناطق دیگر و قرار گرفتن در کنار

۳- تبیین نظری

در دهه‌های اخیر و به ویژه پس از پایان جنگ سرد، مفاهیم امنیتی شاهد دگرگونی چشم‌گیری شده است. تحولات سال‌های اخیر با حادثه ۱۱ سپتامبر شروع شد و در نتیجه سیاست یکجانبه‌گرایانه آمریکا فضای بین‌المللی جنبه امنیتی یافت. از سوی دیگر، اشغال عراق ترتیبات امنیتی منطقه‌ای را دچار تغییرات اساسی نمود. سقوط صدام حسین و شکل‌گیری عراق جدید، باعث تحول بیشتر در معادلات منطقه خلیج فارس و ترتیبات جدید امنیتی منطقه‌ای خواهد شد. کارشناسان و اندیشمندان با توجه به شرایط این منطقه نظریه‌هایی را برای ترتیبات امنیتی خلیج فارس ارائه کرده‌اند. این نظریه‌ها هر کدام با توجه به اهداف قدرت‌های ذی‌نفوذ می‌تواند قابل اجرا باشد. هم‌اکنون منطقه مهم خلیج فارس نیازمند داشتن یک الگوی جدید ترتیبات امنیتی است. از میان چارچوب‌های امنیتی سه نظریه و الگو را که امروزه در مورد امنیت بین‌المللی بیشتر مطرح هستند، به اختصار معرفی خواهیم کرد.

مسیرهای کارآمد و توسعه یافته حمل و نقل جهت دسترسی به بازارهای مختلف می‌باشد.^(۶) متغیر ثبات در خلیج فارس و استمرار عرضه مطمئن انرژی در اقتصاد جهانی نقشی غیر قابل انکار دارد. حدود ۲۳ میلیون بشکه نفت در روز توسط کشورهای حوزه خلیج فارس تولید می‌شود که تقریباً ۲۷ درصد از کل نفت جهان را تشکیل می‌دهد. تقریباً بین ۱۵/۵ - ۱۵ میلیون بشکه نفت در هر روز از تنگه ۳۴ مایلی هرمز به خارج حمل می‌شود که این خود سبب شده است تا این آبراه به نقطه‌ای مهم در اقتصاد جهان تبدیل شود. اداره اطلاعات انرژی برآورد کرده است که تا سال ۲۰۲۵ کشورهای خلیج فارس ۳۶/۴ میلیون بشکه نفت در روز صادر خواهند کرد، یعنی بیش از دو برابر صادرات کنونی‌شان که بالغ بر ۱۷ میلیون بشکه در روز می‌شود. اقتصادهای در حال توسعه به ویژه در آسیای جنوب شرقی دو دهه آتی به انرژی در خلیج فارس وابسته خواهند شد.^(۷)

وابستگی جهان صنعتی به انرژی خلیج

دارند و به نام گسترش مجموعه خاصی از ارزش ها نظم موجود را برهم نمی زنند؛

- کشورها به موجودیت مختار و مستقل دیگر بازیگران احترام می گذارند؛

- وجود جنبش ها و ایدئولوژی های فراملی و داخلی نقش کانونی کشورهای مستقل به عنوان بازیگر اصلی را نفی نمی کند؛ و

- اولویت های سیاسی کشورها به طور معقولی قابل پیش بینی و در طول زمان ثابت است و همین امر باعث اعتمادسازی می شود.

ب - الگوی هژمونیک

الگوی دوم برای ایجاد چارچوب امنیتی منطقه ای الگوی هژمونیک است که بر اساس غلبه منافع یک مجموعه از کشورها بر دسته ای دیگر و کاربرد عملیاتی ابزارهای نظامی و اقتصادی برای اعمال سیاست بازدارندگی طراحی می شود. بر اساس این الگو، صف دوستان و دشمنان کاملاً مشخص و از یکدیگر تفکیک می شود. به عبارت دیگر، هر که با ما نیست برماست. این دیدگاه یادآور دوران مرکانتیلیسم قرون هجدهم و نوزدهم است که در آن اتحادیه های سنتی برای دوستان امنیت دسته جمعی را در چارچوب حفاظت از راه های دریایی، کنترل مالی بین المللی و پیشرفت های فن آوری به ارمغان می آورد و این امتیازات را به طور کلی از دشمنان دریغ می کرد.

- سیاست واقع گرایانه رقابتی یا الگوی سنتی؛

- الگوی هژمونیک؛ و

- الگوی امنیت مشارکت جویانه.

الف - الگوی سیاست واقع گرایانه رقابتی:

این الگو بر پایه تهدیدات آشکار و نهان نظامی استوار است، اما وجود این تهدیدات به معنی نادیده انگاشتن حاکمیت، منافع ملی و نگرانی های امنیتی سایر بازیگران نیست. در این الگو ترکیبی چندقطبی از کشورهایی وجود دارد که دارای روابطی سیال و براساس سود و زیان مقطعی هستند که در طول زمان ممکن است تغییر کند. در این الگو منطق موازنه قوا پذیرفته شده است و به طور کلی هیچ کشوری به طور دائم دوست و یا دشمن شناخته نمی شود. در مورد همه کشورها سطوح مختلفی از منافع مشترک یا متعارض وجود دارد و وجوه مشترک تقریباً به همه کشورها در هر منطقه اجازه می دهد که براساس شرایط روز با یکدیگر متحد شوند. به طور کلی، به نظر می رسد شیوه موازنه قوای سنتی یا همان الگوی سیاست واقع گرایانه رقابتی برای مدیریت مسائل امنیتی در شرایط زیر نتیجه بهتری بدهد:

- کشورها تا حدی دارای ارزش ها و منافع مشترکی هستند و از این رو تعریف های مشابهی از امنیت و ثبات ملی دارند؛

- کشورها به طرف مقابل خود اطمینان

این الگو در دوران اخیر در مورد مقابله با گسترش تسلیحات هسته‌ای نیز به کارگرفته شده است و در آن رویکردی اجماعی برای مقابله با کشورهای غیر دوست وجود دارد. این الگو شامل جلوگیری از انتقال فن‌آوری، جلوگیری از دسترسی آنها به تسلیحات کشتار جمعی، تسلیحات هدایت شونده دقیق و حتی متعارف می‌شود. در این الگو شیوه دفاعی متکی بر حملات پیش‌دستانه و همچنین اقدامات واکنشی یا به عبارت دیگر پدافند کامل، بازدارندگی و حملات پیش‌دستانه است.

ج - الگوی امنیت مشارکتی

این الگو نگاه متفاوتی به سیاست بین‌الملل دارد و تفکر اصلی و مرکزی حاکم بر آن عبارت از این است که همه کشورها می‌توانند امنیت نسبی را

از طریق پذیرفتن تعهدات متقابل درخصوص محدود کردن توانایی‌های نظامی برای خویش تامین کنند. در این رژیم امنیتی، تنها دوستان و متحدان حضور نمی‌یابند، بلکه از دیدگاه امنیت مشارکت جوینان فرض بر این است که دشمنان همان محدودیت‌های فنی را بر رفتار خود خواهند پذیرفت که دوستان می‌پذیرند و این کار علی‌رغم وجود بی‌اعتمادی متقابل امری شدنی است. همچنین فرض بر این است که این محدودیت‌های قانونی و فنی امتیازات متقابلی را نیز دربرخواهد داشت. در این الگو تضمین‌های امنیتی نه از طریق سلطه بلکه

برعکس از راه غیرقابل قبول کردن گزینش‌هایی که هدف آنها کسب سلطه بر رقیبان است، به وجود می‌آید. به طور خلاصه، در رویکرد امنیت مشارکت جوینان، امنیت به طور فزاینده‌ای به منزله ملک مشاعی تعریف می‌شود که قابل تقسیم نیست. این رویکرد کشورها را به دوست، متحد و دشمن تقسیم نمی‌کند، اما تهدیدات علیه همه بازیگران مساوی است و همه شرکا خواستار امنیت متقابل هستند.^(۸)

هر یک از الگوهای فوق را می‌توان با توجه به شرایط منطقه خلیج فارس و بازیگران ذیربط مورد بررسی قرار داد و کارایی آنها را با توجه به این دیدگاه‌ها تحلیل کرد و در نهایت قابل قبول‌ترین الگو را برای ترتیبات امنیتی آتی خلیج فارس پیشنهاد نمود.

۴- شورای همکاری خلیج فارس و نگرانی امنیتی

این شورا که در جریان جنگ اول خلیج فارس (جنگ تحمیلی عراق علیه ایران) شکل گرفت، بیم از این داشت که دامنه جنگ به این کشورها کشیده شود و زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنها را با خطر جدی تا حد نابودی روبرو کند. بزرگترین عضو این شورا یعنی عربستان سعودی از یک طرف به خاطر نوع حکومت خود همواره از خطر بروز مخالفت‌ها و اعتراض‌ها که نظام سیاسی را با مشکل مواجه نماید بیمناک بوده است. در نتیجه، این کشور

همواره از توانمند شدن عراق و جمهوری اسلامی ایران هراس به دل داشت، از این رو می‌کوشید با تکیه بر دوستی با ایالات متحده و اتحاد با کشورهای کوچکتر حوزه خلیج فارس از میزان تهدیدات این دو کشور علیه خود بکاهد. اما تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و نیز امضای قراردادهای امنیتی با آمریکا از میزان نگرانی‌های امنیتی این کشور نکاست، بلکه با رشد جریان‌های سلفی و بنیادگرا در درون عربستان و خراب شدن تصویر این کشور در ذهن مردم اروپا و آمریکا که پس از واقعه ۱۱ سپتامبر صورت گرفت، احساس خطر از مداخله گسترده ایالات متحده در امور داخلی عربستان به نگرانی قبلی این کشور افزوده شد. از این جهت، نه الگوی موازنه سنتی و نه الگوی هژمونیک هیچ‌یک نمی‌تواند این نگرانی‌ها را بر طرف سازد، بنابراین الگویی دیگر باید یافت که در این میان احتمالاً الگوی امنیت مشارکت‌جویانه مناسب می‌باشد.

به درآمدهای نفتی، فقدان عمق استراتژیک به دلیل محدودیت خاک، قرار گرفتن اکثر شهرهای آباد و مراکز اقتصادی این کشورها در حاشیه دریا و یا در نزدیکی مرزها.

طرفداران جنگ علیه عراق در آمریکا در سال ۲۰۰۳ پیش‌بینی می‌کردند که برکناری رژیم صدام حسین امنیت خلیج فارس را به گونه‌ای برجسته بهبود خواهد بخشید. در زمان رهبری بی‌ملاحظه، وحشیانه و پرمخاطره صدام، عراق آرایشی تهدیدگر در پیش گرفته بود که به سه جنگ دامن زد و بی‌اطمینانی و بی‌ثباتی بسیاری را در منطقه پدید آورد. با این حال، برخلاف این انتظارات چشم‌انداز امنیت خلیج فارس در سال گذشته بسیار بدتر شده است. در واقع، از نگاه دولت‌های عربی خلیج فارس، ایران در حال ظهور به عنوان بهره‌ور واقعی سقوط صدام است و به همین جهت از دید الحکایم و لگرنزی تهدید بسیار بزرنگری در همسایگی دولت‌های عربی است.^(۱۰)

سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کمابیش دارای نگرانی‌های مشابهی هستند، ولی با این تفاوت که این کشورها از خود عربستان سعودی نیز که نقش برادر بزرگتر را در شورای مذکور ایفا می‌کند، بیمناک می‌باشند.^(۹) کشورهای کوچک خلیج فارس، ضعف‌های آشکاری دارند که امنیت آنها را بسیار شکننده می‌کند. برخی از این ضعف‌ها عبارتند از ضعف هویتی، اعم از هویت ملی یا تاریخی، متکی بودن

دیدگاهی که در سال‌های اخیر توسط برخی از متفکرین آمریکایی مطرح می‌شده تشکیل اتحادیه دفاعی با حضور شورای همکاری خلیج فارس، دولت عراق و ایالات متحده آمریکا می‌باشد. هدف از تشکیل این اتحادیه دور ننگ داشتن ایران از ترتیبات امنیتی منطقه‌ای و تحت نظارت قرارداد دولت عراق می‌باشد. این طرح با هدف حفظ نیروهای آمریکایی در منطقه و مجهز کردن عراق به سلاح‌های متعارف

به گونه‌ای که همسایگان عرب احساس تهدید نکنند، تدوین شده است اگر مردم کشورهای خلیج فارس متقاعد شوند که نیروهای آمریکایی از حقوق یکسان با آنها در منطقه برخوردار می‌باشند، این گونه ترتیبات امنیتی منطقه‌ای می‌تواند به حضور نیروهای نظامی آمریکا در منطقه مشروعیت بخشد.

۵- عراق و ترتیبات امنیتی

منطقه خلیج فارس طی ۲۵ سال گذشته با سیاست توسعه طلبانه صدام حسین شاهد چندین جنگ، مناقشه و درگیری بوده است، از جمله جنگ ۸ ساله عراق با ایران در دهه ۱۹۸۰، جنگ دوم خلیج فارس (اشغال کویت توسط عراق و حمله آمریکا به عراق برای آزادسازی کویت در سال ۱۹۹۱) و جنگ اخیر آمریکا علیه عراق که در سال ۲۰۰۳ منجر به سرنگونی صدام و اشغال عراق شد. یک طرف ثابت در هر سه جنگ صدام حسین بود. فضای امنیتی منطقه خلیج فارس در ۲۵ سال گذشته متأثر از فضای جنگ و وحشت بود. رژیم سابق عراق به عنوان منبع تهدید، تنش و ناامنی در شکل دهی به چنین اوضاعی نقش محوری داشت. آنچه مسلم است سقوط رژیمی که تهدیدی برای امنیت منطقه، عاملی برای تبدیل منطقه به رقابت‌های تسلیحاتی و توجیهی برای حضور بیگانگان بود و جایگزینی آن رژیم با دولتی برخاسته از رأی مردم، بر ترتیبات امنیتی منطقه تأثیر خواهد گذاشت.

این طرحها در صورتی مطرح می‌شود که بسیاری از تحلیل‌گران از جمله احراری و نویس بر این اعتقاد هستند که ایالات متحده نباید در تلاش برای یافتن ترتیبات امنیتی در خلیج فارس سیاست منزوی ساختن یا نادیده گرفتن ایران را در پیش بگیرد.^(۱۱)

این رویکرد با چالش‌هایی در منطقه مواجه است. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با توجه به شرایط به وجود آمده در سال‌های اخیر و مخالفت افکار عمومی کشورهای اسلامی با سیاست‌های مداخله جویانه علیه کشورهای اسلامی، از تشکیل یک پیمان دفاعی رسمی با ایالات متحده آمریکا استقبال نمی‌کنند. رهبران کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نگرانی جدی دارند که چنین اتحادی، فراتر از مسئله مشروعیت بخشیدن به حضور نیروهای آمریکایی در منطقه، به منزله مداخله در امور کشورشان و زیر سؤال رفتن مشروعیت رژیم‌هایشان باشد. ضمن اینکه دولت و ملت عراق نیز بیش از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با این طرح مشکل

عراق پس از صدام، حرکت به سمت تبدیل به کشوری دمکراتیک را آغاز کرده است، اما از آنجا که هنوز تا رسیدن به این هدف راهی طولانی در پیش دارد، در آینده نزدیک خطر چندانی از جانب آن متوجه کشورهای خلیج فارس نخواهد بود و مسلماً یک عراق دمکراتیک نیز سعی خواهد کرد در چارچوب قواعد بازی‌های منطقی بین‌المللی حرکت کند و به احتمال زیاد از ماجراجویی‌های سابق فاصله خواهد گرفت. به هر حال، عراق آینده به شدت به داشتن روابط خوب با دیگر همسایگان خود در خلیج فارس نیاز دارد و در مقابل، حضورش در هر گونه ترتیبات امنیتی این منطقه ضروریست. عراق اگر چه به خاطر آنکه یک کشور عربی است، امکان پذیرش در شورای همکاری خلیج فارس را نیز دارد، اما با توجه به اکثریت شیعه در این کشور که دارای پیوندهای سنتی با ایران است و نیز ادعای تاریخی عراق در مورد کویت که می‌تواند تا سال‌های دور نیز دوام آورد و اسباب سوء ظن دائمی در مورد این کشور را حداقل برای کویت فراهم آورد، چنین احتمالی اندک به نظر می‌رسد.

با توجه به حضور بیش از ۱۳۰ هزار نیروی نظامی آمریکایی در عراق و مداخله در امور نظامی و امنیتی این کشور، آمریکا تلاش می‌کند با دولت عراق پیمان امنیتی منعقد نماید. اما داشتن پیوندهای بسیار نزدیک بین این دو کشور از میزان مشروعیت هر حکومتی در عراق خواهد کاست و عراق چاره‌ای ندارد جز اینکه امنیت پایدار خود و همچنین کسب اطمینان همیشگی از دسترسی ایمن به خلیج فارس را در ایجاد روابط امنیتی متقابل با همسایگانش جستجو کند.^(۱۳)

در واقع، به موازاتی که عراقیها آماده بر عهده گرفتن بار دفاع از خودشان می‌شوند، بسیاری از ناظران به تفکر دربار شکلی که امنیت خلیج فارس می‌تواند یا باید به خود بگیرد مشغول هستند. در محافل واشنگتن، بسیاری از ناظران خواهان یک معماری امنیتی جدید یا امنیت دسته‌جمعی در خلیج فارس می‌باشند. آنان مدعی هستند که ترتیبات دسته‌جمعی بیش از موازنه قوا که بر چشم‌انداز استراتژیک خلیج فارس از زمان سقوط امپراتوری عثمانی مسلط بوده، به تامین ثبات می‌پردازد.^(۱۴)

دولت جدید عراق در حیطه اعمال حاکمیت و در نحوه تعامل با نیروهای آمریکایی و گروه‌ها و جریان‌های مختلف سیاسی با چالش‌هایی مواجه است. میزان ثبات و آرامش در صحنه داخلی عراق بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی این کشور تأثیر خواهد گذاشت. گمانه‌زنی در مورد نقش عراق جدید در ترتیبات امنیتی منطقه خلیج فارس به میزان این توفیق دولت در برقراری نظم و آرامش در عراق بستگی دارد. هر چند احتمال تجزیه عراق در شرایط فعلی خیلی قوی نیست، در صورت وقوع چنین امری، شرایط امنیتی در کل منطقه

تغییر خواهد کرد.^(۱۵)

همکاری ایران است. بنابراین، کارشناسان آمریکایی نیز برای این کشور عضویت ناظر و فرعی را در ترتیبات امنیتی آینده مناسب تر می دانند.^(۱۶)

۶- ایالات متحده آمریکا

از سوی دیگر، گفتگوها میان دولتهای عربی و ایران در محیطهای رسمی و غیررسمی بر سر ترتیبات امنیتی و ثبات در خلیج فارس از زمان تنش زدایی در دهه ۱۹۹۰ در جریان بوده است. اما پیشرفت واقعی به مسئله ای کلیدی بستگی دارد که در آینده نزدیک احتمالاً حل نخواهد شد. این مسئله حضور و نقش ایالات متحده در منطقه است. ایران آمریکا را عامل کلیدی بی ثباتی و بیگانه ای متجاوز در خلیج فارس در نظر می گیرد، در حالی که دولتهای عربی خلیج فارس آمریکا را عنصر اصلی آرایش دفاعی خود می بینند.^(۱۷)

آمریکا در نخستین ترتیباتی که در منطقه با حضور ترکیه، ایران، عراق، پاکستان و بریتانیا، تحت عنوان پیمان بغداد صورت گرفت، عضو ناظر بود و بعد از آنکه عراق این پیمان را ترک گفت و پیمان مزبور به سنتو تغییر نام داد، همچنان نیز به عنوان عضو ناظر در آن حضور داشت. در جریان عملیات آزادسازی کویت و پس از آن، آمریکا موافقتنامه های امنیتی دوجانبه ای را با هر یک از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به طور جداگانه امضا کرد، ولی این موافقتنامه ها هیچ گاه به پیمان دوجانبه یا چندجانبه تبدیل نشد، زیرا کشورهای عرب خلیج فارس تمایل زیادی به این کار از خود نشان ندادند و صاحب نظران سیاسی و امنیتی آمریکایی نیز تشکیل پیمانی نظیر ناتو را در خلیج فارس ناممکن و عضویت رسمی آمریکا در هر نوع ترتیبات امنیتی در خلیج فارس را غیر سازنده می دانند. به عقیده این افراد، کشورهای خلیج فارس خواهان آن نوع ترتیبات امنیتی هستند که تحت اختیار خودشان قرار داشته باشد تا بدین ترتیب مشروعیت بیشتری کسب کنند. در شرایط کنونی در صورت عضویت رسمی آمریکا در ترتیبات امنیتی خلیج فارس، امکان عضویت ایران در آن به حداقل می رسد، در حالی که کارایی چنین ترتیباتی در گرو جلب

۷- جمهوری اسلامی ایران

ایران در دوران پیش از انقلاب یکی از ستون های امنیتی منطقه در راستای تأمین منافع جهان غرب محسوب می شد و در الگوی سیاست واقع بینانه رقابتی و یا سیاست هژمونیک متکی بر اتحادیه های نظامی، در کنار کشورهای غربی و به ویژه آمریکا قرار می گرفت. وجود چنین روابطی، اختلافات این کشور با کشورهای کوچک حاشیه جنوبی خلیج فارس و عربستان را کم رنگ می کرد. ولی پس از انقلاب اسلامی در ایران و خارج شدن این کشور از اردوگاه

غرب بدون وارد شدن در اردوگاه دیگر، تحریک برخی از قدرت‌ها سبب شد که اختلافات کشورهای حاشیه خلیج فارس با ایران امکان بروز بیشتری یابد و وجود همین اختلافات و احساس تهدید آنها از جانب ایران، آنها را کمابیش در جریان جنگ تحمیلی در کنار عراق قرار داد. این صف‌بندی امنیت خلیج فارس را با مخاطرات جدی روبرو ساخت. کشورهای عرب منطقه، شورای همکاری خلیج فارس را تأسیس کردند تا از میزان تهدیدات علیه خود بکاهند. از سوی دیگر، آنها به عراق کمک مالی کردند تا در جنگ علیه ایران توفیق یابد و خطر صدور انقلاب اسلامی به این کشورها از میان برود.

ایران بعد از انقلاب سیاست مستقلی را از قطب‌های دوگانه جهانی در پیش گرفت. بر همین اساس، منافع این کشور در تعارض با منافع هر دو قطب در خلیج فارس قرار گرفت، زیرا شوروی سابق می‌کوشید با عبور از افغانستان و سپس پاکستان خود را به خلیج فارس برساند و ایران شدیداً با این رویکرد مخالف بود و از طرف دیگر آمریکا نیز در اواخر جنگ تحمیلی به یاری عراق و همچنین شورای همکاری خلیج فارس برخاسته بود و از هرگونه اقدام خصمانه علیه ایران دریغ نمی‌کرد. با وجود این، تا پیش از فروپاشی اتحاد شوروی سابق، تهدیدات نظامی آمریکا علیه ایران محدود و در پوشش دفاع از کشتی‌های نفت کش و جریان صدور نفت از خلیج فارس صورت می‌گرفت. ولی در دهه ۱۹۹۰، با خارج شدن اتحاد شوروی از عرصه رقابت‌های بین‌المللی، تهدیدات آمریکا شکل عریان‌تری به خود گرفت و این کشور در سال‌های اخیر با توسل به سیاست حمله پیشدستانه و بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد به اشغال عراق پرداخت. آمریکا با استمرار حضور خود در منطقه به بهانه مبارزه با تروریسم شرایط جدید امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است. در حال حاضر، خلیج فارس از یک طرف به خاطر حضور نیروهای آمریکایی و از طرف دیگر، به دلیل چالش‌هایی که کشورهای عضو شورای همکاری به ویژه امارات عربی متحده به آن دامن می‌زنند، برای منافع ایران از امنیت کافی برخوردار نیست. به این دلیل جمهوری اسلامی ایران نیز نگران ترتیبات امنیتی آن است و در جستجوی الگویی است که بیشترین فایده و کمترین هزینه را برای منافع ملی آن در برداشته باشد. تصویر روشنی از ترتیبات امنیتی جمعی میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس در آینده نزدیک وجود ندارد. بنابراین، ضروری است ایران در مورد ترتیبات امنیتی خلیج فارس به سوی امنیت مشارکت جویانه گام بردارد.^(۸)

الحکامیم و لگرنزی بر این باور هستند که در حالی که هرگونه ترتیبات امنیتی شورای همکاری - ایران به بهبود روابط ایران و آمریکا بستگی دارد، دولت‌های عربی خلیج فارس

می توانند با برقراری مراوده با هر دو طرف در سطحی پیچیده تر زمینه لازم را برای آن فراهم کنند.^(۱۹)

۸- راهکارهای پیشنهادی

موفقیت یا شکست هرگونه ترتیبات امنیتی خلیج فارس به طور وسیعی بستگی به ساختار، اهداف و چگونگی تعامل اعضا با یکدیگر و سازوکارهایی دارد که برای تأمین امنیت منطقه ای از آنها استفاده می کنند.

به طور کلی، همان طور که بیشتر مورد بحث قرار گرفت، در خلیج فارس نمی توان از الگوهایی نظیر ناتو پیروی کرد، یا اینکه تنها کشورهای دوست و همفکر را گرد هم آورد و نوعی صف بندی از آنها در برابر کشورهای غیر دوست یا دشمن به وجود آورد، بلکه بهتر است

نوعی کاندومینیوم (Condominium) به وجود آورد که هم بتواند به رفع بی ثباتی های داخلی کشورهای منطقه کمک کند و هم آنها را در برابر تجاوز خارجی مصون نماید.^(۲۰) در چنین ساز و کاری که در قالب گفتگوهای ادواری منظم امنیتی و در سطوح متوسط و عالی تشکیل می گردد، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و نیز ایران، عراق و یمن می توانند حضور داشته باشند. در این جلسات محفلی مسائل امنیتی مورد بحث، گفتگو و تبادل نظر قرار خواهد گرفت و چارچوبی برای توافق های دوجانبه یا چندجانبه مشخص خواهد شد. اعضا

می توانند در این گفتگوهای امنیتی به اقدامات اعتمادسازی دست بزنند و به توافقاتی در زمینه اطلاع دادن رزمایش های نظامی، مبادله ناظران، تبادل اطلاعات و در نهایت رسیدن به توافقاتی در زمینه کنترل تسلیحات، کاهش نیروها به طور متوازن و ایجاد منطقه ای عاری از تسلیحات کشتار جمعی دست یابند. علاوه بر تصمیم گیری در مورد مسائل عام، کشورهای عضو می توانند درباره مسائل محدودتری نیز به صورت دوجانبه یا چندجانبه به گفتگو بنشینند؛ از جمله این مسائل می توان به برقراری سامانه ای برای جلوگیری از خطر بروز حوادث در دریا، هوا و در طول مرزهای مشترک، ناوبری در راه های آبی، خلیج فارس و تأمین امنیت کشتی رانی در دهانه تنگه هرمز بین ایران، عمان و امارات اشاره کرد.^(۲۱)

اهداف آسه آن می تواند الگوی مناسبی برای شروع رایزنی به منظور رسیدن به ترتیبات امنیتی خلیج فارس باشد که در آن سه هدف: پیشبرد اعتمادسازی، توسعه دیپلماسی پیشگیرانه و یافتن رویکردهای مناسب برای حل و فصل اختلافات دنبال می شود. تصمیم گیری در آسه آن، پس از رایزنی و مشورت های گسترده و در عین حال محتاطانه صورت می گیرد و سازمان هیچ تلاشی برای تحمیل راه حل به اعضا انجام نمی دهد. اعتمادسازی از طریق مشورت، گفتگو و شفافیت در اقدامات صورت می گیرد و همکاری دوجانبه یا چندجانبه در مسائل امنیتی

هـ . توسعه عادات همکاری بین منطقه‌ای. (۲۳)

فرجام

تبدیل شدن خاورمیانه به طور عام و خلیج فارس به طور خاص به اولویت نخست دستور کار امنیت بین‌المللی نشانگر آن است که این منطقه در شرایط "بحران" قرار دارد. "بحران" بدین معناست که روابط بازیگران (در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی) در وضعیت شکننده‌ای قرار دارد. شکنندگی وضعیت در شرایط بحرانی از یک سو و سرعت و پیچیدگی تحولات از سوی دیگر، فهم صحیح شرایط و به تبع آن برخورد معقولانه را بسیار بااهمیت می‌سازد و در عین حال آن را با دشواری زیادی روبرو می‌کند. شرایط بحرانی خاورمیانه از جمله منطقه خلیج فارس، جمهوری اسلامی ایران را به مثابه بازیگر عمده منطقه در شرایط ویژه‌ای قرار داده است. در این شرایط، ایجاد الگوهای رفتاری مبتکرانه از ضرورت و اهمیت اساسی برخوردار می‌شود. مهمترین ویژگی این الگوهای رفتاری ابتکاری، قرار دادن تمایلات استراتژیک کشور در طیفی از ابهام تا شفافیت می‌باشد. به نحوی که سایر بازیگران نه در ابهام مطلق و نه در شفافیت کامل نسبت به تمایلات استراتژیک کشور قرار گیرند. زیرا قرار گرفتن دیگران در شرایط ابهام مطلق می‌تواند سبب پیش‌بینی ناپذیری گردد و از سوی دیگر ابهام‌زدایی از

به صورت پیگیر، تدریجی و غیر رسمی پیش می‌رود. در همایش‌های آسه‌آن کشورهای غیرعضو خارج از منطقه نیز می‌توانند در جلسات فرعی شرکت کنند و درباره مسائل و نگرانی‌های مشترک به اظهار نظر بپردازند. (۲۲)

بنابراین، ترتیبات امنیتی پیشنهادی، ترکیبی از کشورهای منطقه به صورت عناصر اصلی و برخی از کشورهای همسوی با سیاست‌های اصلی به صورت ناظر خواهد بود. علاوه بر این، سازمان‌های غیردولتی نیز در این ترتیبات می‌توانند نقش داشته باشند. زیرا این سازمان‌ها می‌توانند در محیطی غیررسمی مسائل مهم و حیاتی را به بحث و تبادل نظر کارشناسان خبره منطقه‌ای و بین‌المللی بگذارند و در نهایت راه‌حل‌هایی را برای طرح در همایش‌های رسمی پیشنهاد نمایند. به طور کلی ترتیبات امنیتی پیشنهادی می‌تواند به اهداف زیر نایل آید:

الف . افزایش توان کشورهای منطقه در جهت رفع تهدیدات محدود علیه صلح و ثبات بدون نیاز به دخالت قدرت‌های خارجی؛

ب . فراهم آوردن ساز و کاری برای یافتن راه‌حل‌های صلح‌آمیز در مسائل خاص؛

ج . شناسایی منافع مشترک کشورها با هدف افزایش قدرت تعامل آنها با یکدیگر؛

د . از میان برداشتن دیوارهای بی‌اعتمادی که ممکن است آنها را به سمت عملی کردن بدترین سناریوها سوق دهد؛ و

مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، صص ۱۹۰-۱۸۷.
۷. جیمز راسل، استراتژی، امنیت و جنگ در عراق: ایالات متحده و خلیج فارس در قرن ۲۱، ترجمه پیروز ایزدی، گزارش تحلیلی، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، شماره ۱۳۶، خرداد ۱۳۸۵، ص ۱۳.

8. Michael Kraig, "Assessing Alternative Security Frameworks for the Persian Gulf," **Middle East Policy Council**, Vol. 1, Fall 2004, No 3.

9. Joseph McMillan, Richard. Sokolsky and Andrew C. Winner, "Toward a New Regional Security Architecture," **Washington Quarterly**, Summer 2003, p. 167.

10. Pollack, **op.cit.**

11. Emile El-Hokayem and Matteo Legrenzi, "The Arab Gulf States in the Shadow of the Iranian Nuclear Challenge," **Working Paper**, Stimson Center, May 26, 2006, p. 2.

12. M. E. Ahrari and James Nois, **The Persian Gulf after the Cold War**, Westport: Praeger, 1993.

۱۳. راسل، پیشین.

۱۴. نقش عراق جدید در ترتیبات منطقه‌ای خلیج فارس، "گازنامه تحلیل سیاست خارجی ایران و نظام بین‌الملل، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، شماره ۱۱۲، شهریور ۱۳۸۲.

15. Richard L. Russel, "The Persian Gulf's Collective Security Mirage," **Middle East Policy**, Vol. 12, No. 4, December 2005.

16. Kraig "Assessing Alternative Security...", **Op. cit.**

۱۷. ترتیبات امنیتی خلیج فارس ... پیشین.

18. McMillan, et al, **op. cit.**, p. 169.

19. Pollack, **op. cit.**

20. **Ibid.**

21. El-Hokayem and Legrenzi, **op. cit.**, p. 9.

۲۲. نقش عراق جدید...، پیشین.

22. El-Hokayem and Legrenzi, **op. cit.**, p. 24.

تمایلات استراتژیک موجب مشخص و ملموس شدن آسیب‌پذیری‌های کشور برای حریفان خواهد شد.

بهترین مسیر برای تولید این الگوهای رفتاری مبتکرانه حرکت به سمت گفتگوی امنیتی و استراتژیک "با بازیگران منطقه در سطوح مختلف است. در این چارچوب از طریق تبادل تمایلات و نگرانی‌های استراتژیک می‌توان از یک سو شرایط بحرانی منطقه را بهبود بخشید و از سوی دیگر بنیانی برای ترتیبات امنیتی پایدار ایجاد کرد.

فهرست منابع

1. Kenneth M. Pollack, "Securing the [Persian] Gulf," **Foreign Affairs**, July-August 2003.

2. Michael Kraig, "Gulf Security in a Globalizing World..." **Yale Global**, 92 June 2004.

3. Gary Sick and Lawrence Potter, **Security in the Persian Gulf: Origins, Obstacles, and the Search for Consensus**, New York: Palgrave, 2002.

۴. ترتیبات امنیتی خلیج فارس از منظر بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی، گزارش تحلیلی، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل، شماره ۹۸، فروردین ۱۳۸۳.

5. Michael Ryan Kraig, "Forging a New security order for the Persian Gulf," **Middle East Policy**, Vol. 31, No. 1, Spring 2002, pp. 84-101.

۶. جفری کمپ، رابرت هارکاو، جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه مهدی حسینی متین، تهران: پژوهشکده